

دنیای کودکان در معرض تهاجم

حکایت‌های کهن ایرانی سرشار از قهرمانان و الگوهای متعدد برای جامعه به خصوص کودکان است اما متأسفانه در خلاء الگو سازی دستگاه‌های فرهنگی این روزها اتاقهای خواب کودکان ایرانی مملو از اسباب بازیهای غربی است.



سایه مرد عنکبوتی بر اسباب بازی فروشی‌ها / دنیای کودکان در معرض تهاجم
حکایت‌های کهن ایرانی سرشار از قهرمانان و الگوهای متعدد برای جامعه به خصوص کودکان است اما متأسفانه در خلاء الگو سازی دستگاه‌های فرهنگی این روزها اتاقهای خواب کودکان ایرانی مملو از اسباب بازیهای غربی است. به گزارش خبرنگار مهر، طی سالهای اخیر بسیار از تهاجم فرهنگی سخن به میان آمده است و راهکارهای مختلفی نیز در این خصوص عرضه شده است اما گویی مسئولان فرهنگی در این خصوص بیشتر به دادن شعار دلخوش کرده اند و کمتر در راستای الگو سازی برای جامعه قدم برداشته اند.

در حالی کمتر در لیست برنامه های فرهنگی که در راستای تاثیر گذاری بر جامعه اجرا می شود می توان برنامه ای غنی را مشاهده کرد و به نظر می رسد در حالیکه به شدت در معرض جنگی پنهان در عرصه فرهنگی هستیم کمتر تحرکی را از سوی دستگاههای و ارگانهای فرهنگی برای مقابله با این تهاجم دیده ایم.

صدها شبکه ماهواره ای به صورت شبانه روزی در حال تخریب فرهنگی غنی مردم هستند، هزاران شبکه ماهواره ای، شبکه های ارسال پیامک، صدها رسانه و اتاقهای فکری که هر روز برنامه ای جدید را برای تحت تاثیر گذاشتن ملت‌های مستقل از دنیای غرب در نظر می گیرند اما این سوال مطرح است که ما تاکنون چه کرده ایم؟

بازیهای کودکان هدف تهاجم فرهنگی غرب

این روند به طرز بسیار نگران کننده ای پیش می رود حتی دشمنان فرهنگی ما با تغییر الگوی مصرف مواد مخدر از سنتی به صنعتی پا را فراتر نهاده اند و این بار سلامت جامعه را هدف قرار داده اند. نوع مواد مخدر این روزها به شکلی شده است که فرزندان در کنار والدینشان مواد مخدر توهم زا را مصرف می کنند و خانواده ها حتی از نام این مواد و مضرات مصرفشان نا آگاهند.

در حالی دنیای غرب در راستای تاثیر بر فرهنگ و دین ما که پایه اعتقادی و ارزشی زندگی جامعه محسوب می شود میلیاردها دلار صرف می کنند و ساعتها فکر و مطالعه را صرف بررسی راهکارهای مختلف انحطاط جامعه و خانواده ها می کنند این سوال مطرح می شود که از سوی جبهه مقابل چه اقدامی برای جلوگیری از این صدمات انجام شده است؟

بعضا حرکت‌های برخوردی در برخی موارد حتی نتیجه ای همسو با ترویج فرهنگ غرب را نیز به دنبال داشته است.

روانشناسان از ذهن کودکان به عنوان سنگی یاد می کنند که هر چه بر آن حک شود تاثیر عمیقی بر روش و منش زندگی آنها در آینده خواهد داشت سوال دیگر این است که برای شناساندن فرهنگ غنی دینی و تاریخ درخشان کودکان تا کنون چه اقدامی صورت گرفته است؟

رواج حرکت‌های شعاری در عرصه فرهنگ

در حقیقت نه تنها در این عرصه هیچ کاری نشده است بلکه تمام اقدامات به گونه ای تابلو محور و شعاری بوده است و اکثر کودکان ما هیچ گونه آشنایی از الگوهای فرهنگی خود ندارند اما در این آشفته بازار برنامه ریزی دقیقی از آن سوی مرزها برای حک کردن ذهن کودکان ایرانی در حال انجام شدن است.

یک کودک ایرانی از زمانی که چشم از خواب باز می کند در اتاقش جز عروسک "باربی"، "مرد عنکبوتی"، "انگری برد"، "سوپر من" و نمادهای فرهنگ غربی نمی بیند.

جذابیت‌های این نمادهای غربی زمانی پر رنگ تر می شود که می بینیم در پس ورود این عروسکها به بازار اسباب بازی ایران حرکت دیگری نهفته است. هر یک از این عروسکها وابسته به یک انیمیشن هستند که متأسفانه حتی از رسانه ملی نیز پخش می شوند و هر

یک از این انیمیشن‌ها ساعتها کودکان ایرانی را در طول روز پای جعبه جادویی نگاه می‌دارند و ذره ذره فرهنگ غرب را ملکه ذهن کودکان می‌کنند.

معرفی الگوهای جدید فرهنگ غرب

باز هم باید گفت در حالیکه ما هیچ اتاق فکر و حرکت فرهنگی فعالی برای مقابله با این تهاجم نداریم و به خود مشغولیم که طراحان تهاجم فرهنگی غرب هر روز الگوی جدیدی وارد زندگی کودکان ایرانی می‌کنند "لاک پوشتهای نینجا"، "اسکویی"، "باب اسفنجی" و

این مسئله آنجا نگران کننده تر می‌شود که حتی سعی نکرده ایم که الگوهای خود را که در داستانها و حکایت‌های شعرا و ادیبان و حتی الگوهای داستانها و افسانه‌هایی را که هنوز از زبان مادر بزرگ‌هایمان نقل می‌شوند را به الگویی برای کودکان تبدیل کنیم، بعضا حتی در نمایشگاه‌های کودکان نیز که به صورت تخصصی برگزار می‌شود بسیاری از کتابهای الگوهای غربی جای بزک زنگوله پا، خاله سوسکه و کلاغ پر را گرفته است.

خلاء وجود اسباب بازیهای ایرانی در بازار

این روزها در حالی هیچ حرکت فرهنگی برای الگو سازی نمی‌شود که در حرکتی برخوردی چندی قبل از توزیع اسباب بازیهای مروج فرهنگ غرب در جامعه جلوگیری شد هر چند این امر خود می‌تواند آغازی برای مقابله با تهاجم فرهنگی در این زمینه باشد اما این سوال مطرح می‌شود که در نبود این اسباب بازیها چه راهکاری برای جایگزینی آنها شده است.

آیا فقط این اسباب بازیها نباید باشند؟ آیا عدم حضور فیزیکی آنها مشکل را حل می‌کند؟ آیا مسئولان فرهنگی ندیده اند که در غیاب این اسباب بازیها متاسفانه در شبکه‌های تلویزیونی هر روز انیمیشن‌های مربوط به این اسباب بازیها پخش می‌شود؟

تبدیل شدن داستانهای کودکان ایرانی به یک نوستالوژی

محمد صالحی، روانشناس کودک در گفتگو با خبرنگار مهر در این خصوص می‌گوید: این روزها داستانهای کودکان مادر بزرگها تنها به حسی نوستالوژی تبدیل شده است.

وی افزود: برخی از کارشناسان عقیده دارند که اسباب بازی و انتخاب آن امری سلیقه‌ای است که از سوی کودک انجام می‌شود اما این تفکر آغاز یک اشتباه بزرگ است.

اسباب بازی ابزار کار کودک

صالحی گفت: در حقیقت اسباب بازی الگویی برای کودک محسوب می‌شود و از آن به عنوان وسیله کار یک کودک یاد می‌شود که با استفاده از آن به گونه روش زندگی کردن را یاد می‌گیرد.

این روانشناس ادامه داد: نباید اجازه داد که ذهن کودکان هدف تهاجم فرهنگی بی‌رحمانه غرب قرار گیرد این امر نسل به نسل جامعه را از اصالت خود دور تر می‌کند و گذشته خود را از یاد خواهیم برد.

زنگ خطری که سالها به گوش می‌رسد

صالحی گفت: امروز در همه اسباب بازی‌های فروشی‌ها نمادهای فرهنگ غرب به سادگی مشاهده می‌شود اما هیچ اثری از یک عروسک ایرانی دیده نمی‌شود و این زنگ خطری است که سالهاست به صدا در آمده اما هیچ اقدام موثری برای رفع آن صورت نگرفته است.

وی ادامه داد: این خود بخشی از جنگ فرهنگی با تمدنی است که سعی دارد در فرهنگ ما رخنه کند و اثرات بد خود را بر روی جامعه ما بگذارد و خوبی‌هایش را نیز برای خود حفظ کند حتی در مواردی دیده می‌شود که آنها با مطالعه بر روی فرهنگ ما نقاط مثبت فرهنگی ما را به گونه‌ای در جامعه خود تزریق می‌کنند اما هیچ حرکتی از سوی بدنه فرهنگی جامعه ما انجام نشده است.

صالحی با اشاره به جمع‌آوری عروسکهای باریکی گفت: امروز عروسکهای باریکی را جمع می‌کنیم اما سوال اینجاست با سایر اسباب بازیها باید چه کنیم.

وی گفت: تنها راه معرفی الگو است و طی سالهای اخیر عروسکهای دارا و سارا قرار بود جای باربی را در اتاقهای کودکان بگیرند اما اینگونه شد؟

وی گفت: وزن زیاد، قیمت تمام شده بالا و تولید کم این عروسکها به گونه ای بود که حتی پای دارا و سارا را به ویتترین عروسکها نیز باز نشد.

بیگانه هایی در دست کودکان ایرانی

یک جامعه شناس کودکان و نوجوانان نیز در گفتگو با مهر اظهارداشت: به نظر می رسد پس از سالها از یک خواب عمیق بیدار شده ایم و می بینیم در خانه هایمان بیگانه هایی وجود دارند که ما افکار و ذهنیات ما سازگار نیستند و اولین کار را که نظیرمان آمده حذف این بیگانه ها است.

مریم خیر خواه گفت: اگر بر روی اسباب بازیهای عرضه شده در یک فروشگاه مطالعه انجام شود حتی یک درصد از آنها نیز ایرانی نیستند و اگر هم باشند در حال ساخت نمونه هایی خارجی با کیفیت بسیار پایین تر هستند.

وی ادامه داد: متأسفانه در کشور ما حتی تکنولوژی ساخت ماشینهای کوچک برای کودکان نیز به صورت مناسب وجود ندارد و اگر هم در برخی جاها کپی برداری صورت گیرد در اکثر موارد برچسبی از نمادهای غربی را به همراه دارند.

این جامعه شناس گفت: دارا و سارا از جمله نمادهای اسباب بازیهای ایرانی هستند اما این اسباب بازیها بیشتر به مجسمه می مانند تا عروسکی برای دستان کودکان یک دختر یک ساله.

خیرخواه افزود: پیش نهاد می کنم برای یک بار هم که شده یکی از این عروسکها را به دست بگیریم وزن این عروسکها آنقدر زیاد است و ابعاد آنها نامتناسب که به سادگی قابل حمل نیستند.

وی افزود: این نشان می دهد که ما مطالعه لازم را برای جایگزینی اسباب بازیهای غربی انجام نداده ایم و این درحالی است که ما برای فرهنگ کودکانمان اتاق فکر می خواهیم و در نهایت ضمانت اجرایی که این افکار فرهنگی در مهدهای کودک و مدارس اجرا شود و رفته رفته بتوانیم اسباب بازیهای فروشی را به مکانی برای عرضه فرهنگ غنی خودمان تبدیل کنیم.

.....

گزارش: سید مهدی موسوی